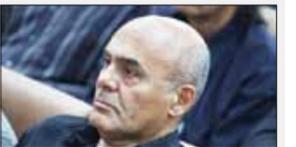


افتتاح شبکه پارس تودی در عید فطر

شبکه پارس تودی زیرمجموعه معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما مصادف با عید سعید فطر راهاندازی می‌شود. به گزارش فارس، به دنبال بدخواهی برخی کشورهای امپریالیستی و محدودیت‌های امواج رادیویی مقرر شد با بهره‌گیری از فضای وب تعداد ۳۶ رادیوی برون مرزی با ۳۲ زبان مختلف جمع شده و با هم افزایی این رادیوها، شبکه‌ای اینترنتی با نام پارس تودی راه‌اندازی شود. بنا بر این گزارش ظرفیت اینترنت باعث شده پارس تودی تنها به صدا محدود نشود و می‌توان متن و تصویر هم به آن پیوست کرد. یکی از ویژگی‌های پارس تودی تعاملی بودن آن است، به عبارتی میان کاربر و سرور (server) ارتباط دوطرفه برقرار می‌شود و کاربر می‌تواند جدول پخش و برنامه مورد تقاضای خود را انتخاب کند. ویژگی دیگر آن، این است که اگر یک گزارش به یک زبان تهیه شود می‌توان آن را به بیش از ۳۰ زبان منتشر کرد. چشم‌انداز پارس تودی به عنوان یک شبکه بین‌المللی تبادل تصویر و مرجع اخبار در رقابت با شبکه‌های روتیز و اوسشیتدپرس تعریف شده است. برای این کار ۳۰۰ خبرنگار برون مرزی از سراسر دنیا داده‌ها و اطلاعات خبری خام خود را روی خط آنلاین پارس تودی می‌گذارند.

تقدیر از یک عمر فعالیت هنری جمشید هاشمپور



در شانزدهمین جشن حافظ از یک عمر فعالیت هنری جمشید هاشمپور، بازیگر پیشکسوت سینما تقدیر به عمل می‌آید. به گزارش تسنیم، در شانزدهمین جشن حافظ (دنیای تصویر) از یک عمر فعالیت هنری جمشید هاشمپور تقدیر به عمل می‌آید. هاشمپور ۵۸ نامزد دریافت سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر شده و یکبار هم برای بازی در فیلم «مسافری» داوود میرباقری برنده تندیس حافظ شد. به پاس یک عمر فعالیت هنری و بازی در حدود ۱۰۰ فیلم که در بیش از نیمی از آنها نقش اول را داشته، فیلم‌هایی که مخاطبان زیادی را به سینما کشاندند و برای بازی‌های متفاوت و جذابش تندیس حافظ دستاورد هنری شانزدهمین جشن حافظ روز بیست‌وششم تیرماه در سالن برج میلاد به این بازیگر قدیمی سینما اهدا می‌شود.

رونمایی از مستند «بازی» در حوزه هنری



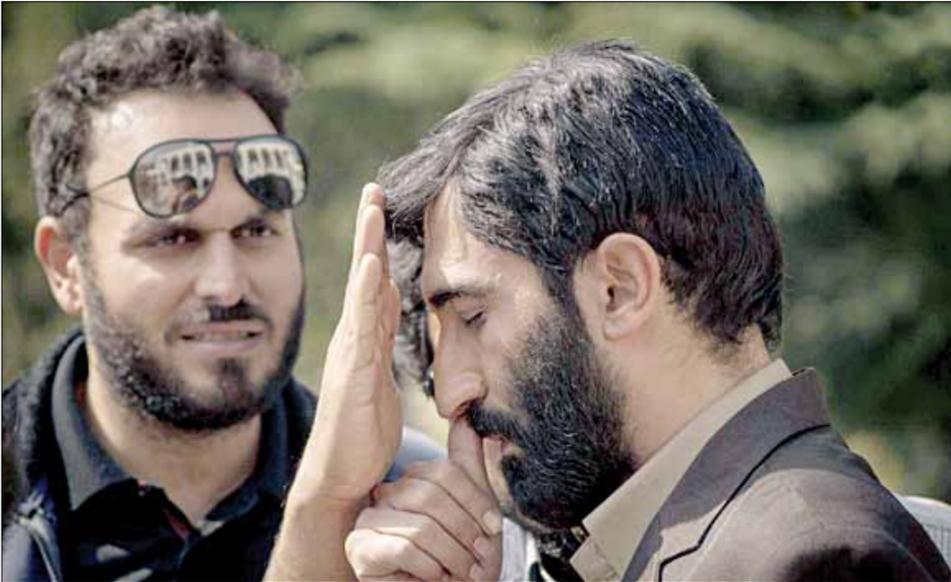
فیلم مستند «بازی» دوشنبه ۱۴ تیر در حوزه هنری به مناسبت هفته حقوق بشر آمریکایی رونمایی می‌شود. به گزارش سوره سینما، فیلم مستند «بازی» آخرین اثر مهدی نقویان است که به موضوع رابطه ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد. این مستند محصول مرکز مستند حوزه هنری است که دوشنبه ۱۴ تیرماه ساعت ۱۷ در سالن اوستای حوزه هنری واقع در خیابان سمیه، بین حافظ و نجات‌اللهی طی مراسمی اکران و رونمایی می‌شود.

در سالگرد انهدام پرواز شماره ۶۵۵ دیدار پرستویی با یکی از داغداران هشتمین جنایت مرگبار هوایی تاریخ

در آستانه بیست‌وپنجمین سالگرد فاجعه حمله به هواپیمای ایرباس ایرانی در خلیج فارس توسط ناوینسنس آمریکا، پرویز پرستویی بازیگر ارژنده سینمای ایران و حبیب احمدزاده نویسنده و مستندساز به عیادت خانواده خلیان شهید محسن رضاییان رفتند. در این دیدار صمیمی پرویز پرستویی ضمن تأکید بر تکریم شهدای این ماجرای غم‌انگیز، از خواسته بحق خانواده‌های این شهدا مبنی بر نامگذاری بزرگراهی در تهران یا فرودگاهی در بندرعباس به نام شهدای ۱۲ تیر اعلام پشتیبانی کرد. پرستویی در این دیدار ضمن گلابه از مسوولان فرهنگی کشور اعلام کرد: آمریکایی‌ها برای موضوع تمام‌شده سفارت‌شان در تهران فیلم سینمایی جنجالی آرگو را می‌سازند و خود در گوئتانامو ۱۶۸ نفر را بدون محاکمه به مدت ۱۲ سال نگهداری می‌کنند ولی ما هنوز نتوانسته‌ایم کاری در خور توجه و شایسته برای حادثه ایرباس انجام دهیم. خانواده شهید رضاییان نیز ضمن اظهار خشنودی و رضایتمندی از این دیدار مردمی، بر پیگیری این خواسته‌ها از مسوولان ذی‌ربط تأکید کرد.

به بهانه سی‌وچهارمین سالروز ربوده شدن احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی، کاظم اخوان و تقی رستگارمقدم

۳۴ سال در غبار



گروه فرهنگ و هنر: داستان زندگی حاج‌احمد متوسلیان یا ساخت و اکران فیلم «ایستاده در غبار» زنده شد، وقتی صداقت و ارزش‌های فنی فیلم با تحسین طیف‌های مختلف هنری همراه شد و تاکنون همراه با استقبال مردم هم بوده است. در این راستا همزمان با سی‌وچهارمین سالگرد ربایش ۴ دیپلمات ایرانی در روز چهاردهم تیرماه، کارگردان، تهیه‌کننده و عوامل «ایستاده در غبار» مردم را به دیدن این فیلم در سینماهای کشور دعوت کردند. آنها همچنین برای حمایت از این فیلم درخواست کردند که مخاطبان تصویری از بلیت خود را با هشتگ‌های #ایستاده_در_غبار و #free4diplomats در فضای مجازی منتشر کنند. در ادامه یادداشت‌های شاهرخ سلطان‌احمدی، خواهرزاده کاظم اخوان از افراد ربوده شده در این ماجرا را که در اختیار «وطن امروز» قرار داده، می‌خوانید.

ربوده شدن خبرنگار و دیپلمات‌های ایرانی در لبنان در رمضان سال ۶۱ اتفاق افتاد. از آن زمان ۳۴ سال سپری شده اما سرنوشت آنان همچنان در هاله‌ای از غبار قرار دارد. فیلم ایستاده در غبار عطفی درباره روشن شدن سرنوشت این عزیزان شده و در واقع وظیفه بر زمین مانده مطبوعات را بر دوش گرفته است و برای همین تفکرانگیز و جریان‌ساز شده است. تقارن سالگرد ربوده شدن ۴ شهروند ایرانی در لبنان با اکران فیلم ایستاده در غبار را به فال نیک می‌گیریم. کم‌توجهی رسانه‌ها به انتقال واقعیت سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده آنطور که هست به کم‌رنگ شدن جایگاه ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای می‌انجامد. جریان‌سازی خبری و دیپلماتی خبرسازی نیست به پیگیری سرنوشت این عزیزان کم‌رنگ بوده است. جنگیدن و دفاع کردن در اسطوره و تاریخ بشر از آغاز تاکنون وجود داشته است، بدون شک عدم پرداختن به موضوع سرنوشت حاج‌احمد متوسلیان و همراهانش یک شکست معنوی برای ما تلقی می‌شد. بی‌توجهی به این شخصیت‌ها در تاریخ، یک ضعف اساسی است و این فیلم نشان داد کسانی هستند که حافظه تاریخی‌شان همچنان کار کند! هستند کسانی که در قیام‌های امروز غدغه و آرامشان را فراموش نکرده‌اند. آنچه در تاریخ ۳۴ ساله گذشت، دارای حقایقی است که باید از طریق مطالعه نظام‌مند به عمق آن دست یافت و کارگردان هوشمندانه با پرداخت هنری از آن بهره برده است. سینما توان نشان دادن دردها و مشکلات و زیبایی‌ها را دارد و این فیلم نمونه‌ای است که با صراحت توانست فراز و فرود زندگی انسانی بزرگ را تا قبل از ربوده شدن نشان دهد. پس از گذشت بیش از ۳ دهه پس از روشن شدن سرنوشت نهایی این عزیزان باید در پی پاسخگویی به سوالاتی باشیم که همچنان بی‌جواب مانده است. علت روشن نشدن سرنوشت غبارالود آنان پس از گذشت بیش از ۳ دهه چیست؟ آیا این موضوع نیاز به رمزگشایی و واکاوی ندارد؟ چرا این مهم تاکنون مورد تغافل قرار گرفته است؟ آیا این امری حداقلی نیست که باید روزی به آن اندیشید؟ آیا می‌توان با پیوند زدن این سوالات به اما و اگرها از پاسخگویی طفره رفت؟ اما سوال اصلی این است که چرا روشن شدن سرنوشت آنان اخیراً منجر به اظهارنظر برخی افراد مسؤول شده است؟ پرونده چه روندی را طی کرده؟ شاهد چه فرازها و فرودهایی بوده است؟ اینها برخی از پرسش‌های مستقیم و غیرمستقیم است درباره پرونده دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان که پاسخگویی به آنها در این فرصت اندک امکان‌پذیر نیست. در سی‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر پس از گذشت ۳۴ سال با نمایش فیلم تأثیرگذار ایستاده در غبار اثر کارگردان ۳۴ ساله آقای مهدویان که بخشی از زندگی حاج‌احمد متوسلیان یکی از اسطوره‌های دوران دفاع مقدس را به تصویر کشیده، یک بار دیگر سرنوشت او مورد توجه قرار گرفت و همان طور که کارگردان می‌گوید هدفش از ساخت چنین فیلمی ضمن آای دین به یکی از اسطوره‌های دفاع مقدس، جریان‌سازی هم بوده و بازخورد فیلم قبل و بعد از اکران با توجه به قدرت سینما نشانگر این است که ظرفیت تبدیل شدن به جریان برای پیگیری و تعیین تکلیف سرنوشت ۴ دیپلمات را پیدا کرده و مخاطب با آن همراه شده است. شکل‌گیری اسطوره‌های دفاع، استقامت و مقاومت به عنوان یکی از بنیان‌های سازنده هویت

جمعی و ملی و شناسنامه هر ملتی به حساب می‌آید و به انسجام و یکپارچه‌سازی آن کمک می‌کند، لذا قابل پیگیری و بررسی است، علاوه بر این هر فرد و جامعه‌ای سرگذشتی دارد که بازاندیشی آن برای تعیین و تثبیت هویت و ادامه به حیات اجتناب‌ناپذیر است.

سکانس پایانی فیلم حاج‌احمد و دیپلمات‌ها را نشان می‌دهد که در حال پایین آمدن از پله‌های سفارت ایران در سوریه برای عزیمت به لبنان هستند و... «۱۴ تیر ۶۱ احمد متوسلیان در جایی از تاریخ گم شد!» این آخرین جمله‌ای است که روی پرده می‌نشیند و با روشن شدن سالن سینما، تماشاگران با چهره‌ای مهیوت در برابر این پرسش به تعلیق رفته قرار می‌گیرند چرا چنین اسطوره‌ای را که در فیلم می‌بینند نتوانسته‌ایم پیدایش کنیم؟ چرا این قهرمان ملی همچنان در تاریخ ناپیداست؟ چرا پس از گذشت ۳۴ سال که از گم شدن ۴ شهروند ایرانی

نتوانسته‌ایم یا نتوانسته‌ایم آنان را از دل تاریخ پیدا کنیم؟ موضوع پایان دادن به اعلام تعیین تکلیف نهایی سرنوشت این عزیزان پس از ۳۴ سال یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعاتی است که امیدواریم در آینده سرنوشت آن مشخص شود که درخواست ما هم همین است که بی‌هیچ حاشیه، ابهام و کنایه و با صراحت کامل سرنوشت آنان بیان شود و دولتمردان ما رویکردی تعهدی نسبت به آن داشته باشند. نکته کلیدی که نباید به آن بی‌توجه بود این است که چرا درباره سرنوشت این عزیزان بین مسوولان در جاهایی همگرایی و در مناطقی اختلاف وجود دارد، برای همین آشکارا خود را گرفتار تناقض می‌بینیم.

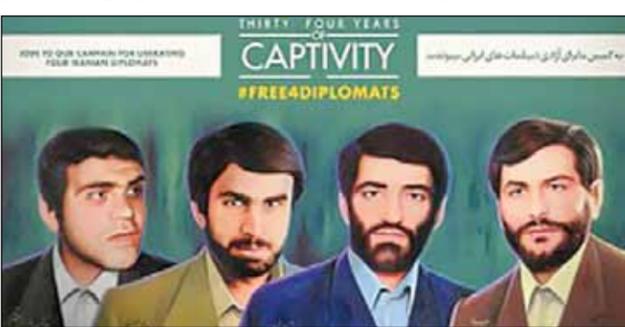
چرا ایستاده در غبار ستایش مخاطبان و جامعه منتقدان را به دست آورده و نتوانسته تحسین بسیاری را برانگیزد؟ این فیلم با عشق و علاقه به این کشور و مردم بردبار و سرافراز ایران و در خور شأن و جایگاه رفیع اسطوره‌های جنگ ساخته شده و مایه فخر و میاهات است از همین منظر ایستاده در غبار بدیع و منحصر به فرد است، چرا که سهم پایدار از اسطوره‌های جنگ از خود بر جای گذاشته و تماشای اثر را برای هر مخاطب سینما، به

تجربهای متفاوت تبدیل کرده و مایه اعتبار صاحب اثر شده است. فیلم ایستاده در غبار از جنس دیگری است. حال و هوای خاص فیلم نشانگر آن است که نیازی نیست وارد جریان اصلی سینما بشوی. مهدویان با این فیلم مسیر خودش را ساخته و شکی در آن نیست و این خیلی جرأت می‌خواهد که داستانی را اینچنین ساختار شکنانه روایت کنی. فیلم صحنه‌هایی از تاریخ جنگ را ورق می‌زند اما در سطح باقی نمی‌ماند و سرد و بی‌روح نیست و تجربه‌های زیباشناسی فیلم در جوهر خاص خودش را نشان می‌دهد و شانه به شانه با هویت و شخصیت یک خواهرمان اسطوره‌ای جلو می‌رود. با توجه به مخاطب‌های امروزی سینما که خیلی پیچیده‌اند دیانت و قداست قهرمان فیلم را به کسی تحمیل نمی‌کند و کسی نمی‌تواند او را به نفع خودش مصادره کند. هیچ شعار و کلمات قاصر و گزیده‌گویی نمی‌بینی؛ به‌نوعی اسطوره‌زایی است اما به شکل رئال اسطوره‌سازی می‌کند.

این فیلم تصورات قبلی شما را درباره فیلم جنگی به چالش می‌کشد و شما را از بند فیلم‌های جنگی کلیشه‌ای آزاد می‌کند و نمونه‌الهام‌بخشی به ما ارائه می‌دهد که بر ذهن و احساس ما تأثیرگذار بوده و نماد امید، پهبودی و تازگی است؛ از همه مهم‌تر این فیلم نشان داد سینما متعلق به اقلیتی برگزیده نیست. مهدویان توانسته روش‌های محافظه‌کارانه سینمایی جنگی را که منجر به عکس‌العمل‌های عادی و بی‌خاصیت می‌شود به چالش بکشد و اگر چه این فیلم سواد، کاربلدی و قدرت خلاصیت کارگردان جانش را به رخ همه کشید اما اگر نبود الهام از شخصیت اصلی فیلم هرگز نمی‌توانست به چنین قدر و مرتبه‌ای برسد. کارگردان در واقع از معنا به صورت رسیده است. هنر او حاصل ذوق حس زیبایی‌شناختی هنرمندانه او است. تصویر و قاب‌بندی‌ها زبانش می‌کند.

کارگردان کار دشواری در پیش داشته؛ ساخت چنین فیلم‌هایی کار ساده‌ای نیست و شما همواره مطمئن نخواهید بود که عکس‌العمل مخاطب چیست. او باید اسطوره گمشده‌ای در تاریخ را که در پایان فیلم هم به همین موضوع اشاره می‌شود صداقت، شفاف و آشکار بدون محافظه‌کاری از رتال اسطوره‌سازی می‌کند.

فیلم تصورات قبلی شما را درباره فیلم جنگی به چالش می‌کشد و شما را از بند فیلم‌های جنگی کلیشه‌ای آزاد می‌کند و نمونه‌الهام‌بخشی به ما ارائه می‌دهد که بر ذهن و احساس ما تأثیرگذار بوده و نماد امید، پهبودی و تازگی است؛ از همه مهم‌تر این فیلم نشان داد سینما متعلق به اقلیتی برگزیده نیست. مهدویان توانسته روش‌های محافظه‌کارانه سینمایی جنگی را که منجر به عکس‌العمل‌های عادی و بی‌خاصیت می‌شود به چالش بکشد و اگر چه این فیلم سواد، کاربلدی و قدرت خلاصیت کارگردان جانش را به رخ همه کشید اما اگر نبود الهام از شخصیت اصلی فیلم هرگز نمی‌توانست به چنین قدر و مرتبه‌ای برسد. کارگردان در واقع از معنا به صورت رسیده است. هنر او حاصل ذوق حس زیبایی‌شناختی هنرمندانه او است. تصویر و قاب‌بندی‌ها زبانش می‌کند.



دل تاریخ بیرون بکشد. در واقع شخصیتی پایبند ارزش‌های ناب اخلاقی و مسوؤلی عملگرا را به تصویر می‌کشد با حس مسوؤلیت‌شناسی شدید که می‌تواند نماد پیروزی معنویت بر نفس‌پرستی انسان‌ها باشد. اسطوره آینه روح بشر است و تجلی حقایق انسانی که در طول تاریخ ادامه دارد.

این فیلم نشان داد چرا اسطوره‌های جنگ ما متفاوت بوده‌اند؛ آنچه مسلم است کارگردان انگیزه درونی بسیار قوی‌ای داشته و این مهم‌ترین عامل در ارائه کارهای خلاق است. برای همین کارگردان توانسته یک کار متفاوت ارائه کند. خلاصیت بدون جرقه درونی غیرممکن است، وسعت زاویه دیدی که کارگردان داشته نشانگر محققانه بودن جدی فیلم است که از منابع متعدد به دست آمده و ژرفای موضوع را مورد کاوش قرار داده. برای همین او توانسته چیزی را مشاهده کند که تازه و بی‌مانند است و دیگران نتوانسته‌اند آن را ببینند. خلاصیت بدون جرقه درونی، الهام و ادراک غیرممکن است.

از سوزی دیگر پایان فیلم موجب می‌شود بیننده پس از ربوده شدن حاج‌احمد متوسلیان در لبنان چیز مهمی از سرنوشت او دستگیر نشود یعنی پاسخی که بتواند اقیاع جویندگان حقیقت سرنوشت حاج‌احمد و همراهانش را در پی داشته باشد. بدون شک سرنوشت حاج‌احمد و همراهانش نیاز به واکاوی، رمزگشایی و حقیقت‌یابی دارد، اگر چه در پایان فیلم علامت سوال بزرگی در برابر ما قرار می‌گیرد اما سوال اساسی این است چرا سرنوشت متوسلیان به عنوان یکی از قهرمان‌های آرمانی- اسطوره‌ای در حماسه ملی ایرانیان همچنان در ابهام قرار دارد و همچنان در تاریخ گمشده مانده است. علاوه بر این فیلم می‌تواند در راستای دیپلماتی عمومی قرار گیرد. دیپلماتی عمومی، افکار عمومی را هدف قرار می‌دهد و از لحاظ پیامدهای و نتایج، از همان اهمیت ارتباطات دیپلماتیک پنهان و سنتی بر خوردار است و همین امر می‌تواند چشم‌اندازهای نوپدیدبخش در زمینه معرفی حاج‌احمد و همراهان او به جهانیان باشد و زمینه کسب نتایج مطلوب را برای اطلاع از سرنوشت متوسلیان و همراهانش ترسیم کند و این به مراتب مطلوب‌تر از بیانیه‌های وزارت امور خارجه در سالگرد ربوده شدن این عزیزان است.

فیلم متفاوتی مانند ایستاده در غبار می‌تواند مردم کشورهای دیگر را با واقعیت‌ها، شخصیت‌ها و اسطوره‌های دفاع مقدس ما آشنا کند و تصویر ذهنی را که توسط رسانه‌های غربی از ایران ساخته و پرداخته می‌شود تغییر دهد و نقش سینما در این تصویرسازی تأثیرگذار و مهم است؛ در شرایطی که روش‌های انگار سازی و قدرت نرم با ظرافت و دقت تمام، توسط رسانه‌ها برای شکل دادن به افکار عمومی دنیا به کار گرفته می‌شود.

پدر و مادر این عزیزان توفان غبار زندگی‌شان شد و با همین غبار از این دنیا چشم انتظار رفتند اما آیا غبار زندگی مادر احمد متوسلیان خواهد شکست و دگر بار آینه از غبار برون خواهد آمد و زرنگار خواهد شد؟ آیا مادر حاج‌احمد پس از همه این سال‌ها می‌تواند غم، درد و رنج فقدان عزیزش را فراموش کند؟ امیدوارم که غبار غم برود و حال او و همه ما خوش شود.



استقبال مردمی از تشکیل کمپین برای آزادی حاج‌احمد متوسلیان و یارانش

آغاز ضبط سری دوم

«خسته نباشید» در شبکه مستند

سری دوم مجموعه مستند «خسته نباشید» به تهیه‌کنندگی میثم رازفر و کارگردانی شهره رعایتی در دامغان کلید زده شد. به گزارش تسنیم، میثم رازفر، تهیه‌کننده «خسته نباشید» گفت: فصل جدید این مجموعه مستند در ۱۳ قسمت ۳۰ تا ۴۰ دقیقه‌ای مخاطبان را با مشاغل مختلف در ایران آشنا می‌کند. وی با بیان اینکه سری دوم «خسته نباشید» با مشارکت مستقیم مردم تولید می‌شود، گفت: شغل‌های مختلفی در صفحه اینستاگرام برنامه به ما پیشنهاد شده بود، به خیلی از نقاط ایران سفر و با خیلی از مخاطبان صحبت کردیم و در نهایت یکسری از همین مشاغل انتخاب شدند و قرار است درباره آنها برنامه بسازیم. تهیه‌کننده و مجری «خسته نباشید» گفت: سری دوم این مستند با رویکرد متفاوتی در حال تولید است و این بار از مشاغل سخت و پرخطر هم سراغ می‌گیریم. وی افزود: مشغول تصویربرداری بخش‌های «کارگری در معدن» در دامغان هستیم و گروه تولید در تلاش است تجربه یک روز کاری حرفه‌ای را که در صدر سخت‌ترین و زیان‌آورترین شغل‌های دنیا قرار دارد برای مخاطبان‌شان به تصویر بکشد. به گفته میثم رازفر، سری دوم «خسته نباشید» قرار است با نگاهی نو و روایتی جذاب و دیدنی به مشاغل مختلفی مثل پرورش اسب، رستوران‌داری، خانه‌داری، بازیافت زباله و... بپردازد.

رونمایی از «روای نیمه‌شب»

تیزر سینمایی کتاب «روای نیمه‌شب» دوشنبه ۱۴ تیرماه در سالن مهر حوزه هنری رونمایی می‌شود. به گزارش تسنیم، تیزر سینمایی کتاب «روای نیمه‌شب» دوشنبه ۱۴ تیرماه ساعت ۱۹:۳۰ در نشست خبری با حضور عوامل فیلم و خبرنگاران رونمایی می‌شود. «روای نیمه‌شب» به کارگردانی اصغر عباسی با بازی عباس غزالی، مهدی قفیه، سیما خضرآبادی، ثریا قاسمی، متین ستوده و ماه‌چهره خلیلی است که روز گذشته پوستر آن رونمایی به عمل آمد. این فیلم تیزری سینمایی برای معرفی و تبلیغ کتاب «روای نیمه‌شب» است. رمان «روای نیمه‌شب» اثر مظفر سالاری، از انتشارات کتابستان معرفت است که به عنوان کتاب چهارمین دوره مسابقه کتابخوانی کتاب و زندگی معرفی شده است. تصویربرداری «روای نیمه‌شب» طی ۶ روز در شهرک سینمایی غزالی و متروی تهران انجام شد. فیلم در بستر تاریخی از قصه رمان روایت می‌شود و پس از آن شخصیت‌های داستان به حال می‌آیند و بخشی از داستان در امروز روایت می‌شود. با توجه به همین روایت موازی، فیلم از جلوه‌های ویژه خاصی برخوردار است. «روای نیمه‌شب» داستانی است عاشقانه با زمینه هستی که حکایت از دلدادگی جوانی از اهل سنت به دختری شیعه مذهب دارد که در راه وصال با موانع و اتفاقاتی تلخ و شیرین مواجه است.

انتشار نامه یک شاعر کودک به حضرت ولیعصر (عج)

مجموعه شعر تازه روده حمزه‌ای با عنوان «آقاهدی جان، سلام» توسط انتشارات سوره مهر چاپ و روانه بازار کتاب شد. به گزارش فارس، مجموعه شعر تازه روده حمزه‌ای با عنوان «آقاهدی جان، سلام» توسط انتشارات سوره مهر چاپ و روانه بازار کتاب شد. در این مجموعه ۷ شعر بلند برای گروه سنی نوجوان با عناوین «آقا مهدی»، «سندوقچه خاطرات»، «الان شب یا روزه»، «بهار خانم»، «بوی گریه» و «اگر که آقا بیاید» گنجانده شده است. این کتاب به نام زمان (عج)، روز معلم، جنگ، بازگشت اسرا به ایران، امام (ره)، انقلاب و... در قالب‌های شعری چهارپاره، مثنوی و نیمایی می‌پردازد. اشعار این مجموعه با زبانی سهل و خودمانی، تلاش دارد ارتباطی نزدیک با مخاطب نوجوان برقرار کند. اشعار مجموعه «آقا مهدی جان، سلام» گویای درونیات شاعر است و در واقع شاعر، مخاطب را غریبه ندانسته و با او به دردل نشست، دردل از انتظار و غم دوری، از خاطرات کودکی و مصائب جنگ تحمیلی و البته همه اینها گاه گاه با چاشنی طنز نیز همراه می‌شود. در شعر «آقا مهدی» شاعر با بیانی نزدیک به مخاطب نوجوانش با حضرت ولیعصر (عج) سخن می‌گوید و البته در کنار لحن صمیمانه و بی‌ریا، جایگاه و مقام بالای آن حضرت را هم در نظر دارد.

شنیدم که مثل ما دلواپسی کی می‌خوای به داد گل‌ها برسی مطمئنم که تو راه سفری می‌دویم از حال ما باخبری نکنه امروز و فردا بکنی نکنه این پا و اون پا بکنی دل ما تنگه برای دیدنت برای عطر نفس کشیدنت



استقبال مردمی از تشکیل کمپین برای آزادی حاج‌احمد متوسلیان و یارانش